نسیم جنوب

www nasimjonoub COM

سال بیست و ششم - شماره ۱۰۴۵

سه شنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۲ ۸ صفحه - ۵۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)



نکوداشت سالروز تولد نویسنده و پژوهشگر بوشهری

پیاده در تاریخ با سید قاسم یاحسینی

باید اعتراف کنم که به‌جز نویسندگی، هیچ کار دیگری بلد نیستم!

به بهانه پرپر شدن پنج تن از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در سانحه تصادف جاده‌ای:

خرداد سیاه، در تقویم دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

دکتر ابراهیم شفیعی



مهندس عبدالزهرا وطن دوست، سرمایه گذار و مجری بزرگترین طرح شیلاتی بخش خصوصی در کشور:

ناهماهنگی های درون استانی، منجر به تعطیلی طرح «پرورش ماهی در قفس» در بوشهر شد



مهندس عبدالزهرا وطن دوست، سرمایه گذار و مجری بزرگترین طرح شیلاتی بخش خصوصی در کشور:

ناهماهنگی های درون استانی، منجر به تعطیلی طرح «پرورش ماهی در قفس» در بوشهر شد

– لطفا در شروع مصاحبه از سابقه طرح پرورش ماهی در قفس در سد رئیسعلی در دشتستان، بگویید.

– مطالعات کلی طرح بزرگ و ملی «پرورش ماهی در قفس» در پشت سد رئیسعلی دلواری واقع در بخش شبانکاره شهرستان دشتستان، در سال ۱۳۷۹ توسط سرمایه گذار انجام شد، اما اجرای پروژه و بررسی های تکمیلی از سال ۱۳۹۲ تحت عنوان «طرح پرورش ماهی در قفس» در سه بخش: ۱– تکثیر و تولید بچه ماهی، ۲– پرورش ماهی در قفس برای اولین بار در استان بوشهر و ۳– فرآوری و بسته بندی ماهی، به عنوان یک پروژه مطالعه شده به شیلات ایران پیشنهاد شد که پس از بررسی در شیلات ایران و رفع نواقص به وزارت کشاورزی ارجاع داده شد. وزارت کشاورزی پس از این کارشناسی و مطالعات کامل، این طرح سه بخشی را تحت عنوان یک پروژه به بانک کشاورزی ایران ارسال نمود و بانک کشاورزی ایران با تأیید طرح، با آن موافقت و برای فراهم نمودن تسهیلات بانکی به صندوق توسعه ملی ارسال کرد. پس از مطالعه و بررسی های لازم در صندوق توسعه ملی و تأیید نمایندگان هیئت دولت در این صندوق به عنوان یک پروژه ملی، مبلغ ۶۶ میلیارد تومان به بانک کشاورزی بوشهر بابت اجرای کامل این پروژه واریز شد.

– مجری این طرح چه شرکتی است؟

– مجری آن شرکت آرام صید بوشهر که یکی از زیر مجموعه های گروه صنعتی وطن زرین مروارید آسیا است که در حال حاضر بیش از ۱۸۰۰ نفر نیروی کار در آن اشتغال دارند.

– یعنی عملا طرح از سال ۹۲ کلید خورد؟

– بله، از همان سال ۱۳۹۲ که این مبلغ ۶۶ میلیارد تومان به بانک کشاورزی بوشهر بابت اجرای کامل این پروژه واریز شد، کار توسط شرکت آرام صید بوشهر شروع شد که البته بلافاصله هم به مشکل برخورد.

– چرا؟

– متأسفانه بانک کشاورزی بوشهر به علت عدم شناخت کافی از طرح و نداشتن کارشناسان خبره و با تجربه در این بخش، نتوانست از این طرح حمایت کافی نماید.

– مگر به چه صورت عمل شد؟

– این بانک، پروژه را به ۳ قسمت تقسیم کرد و تزریق تسهیلات را ابتدا منوط به اجرای بخش میانی پروژه (پرورش ماهی در قفس) و بخش انتهایی پروژه (فرآوری و بسته بندی) نمود و بخش اصلی (تکثیر تولید بچه ماهی) که قلب پروژه محسوب می شد، را کنار گذاشت.



– با این وجود تسهیلات بانکی را پرداخت کرد؟

– بله، اما برای بخش دوم (پرورش ماهی در قفس) تسهیلات را تزریق نمود و مابه التفاوت آن را به عهده متقاضی (سرمایه گذار) گذاشت.

– پس چه مشکلی پیش آمد؟

– ما روی پرداخت تسهیلات بخش اول که زمینه انجام کل طرح بود، تاکید داشتیم که پرداخت نشد، در نتیجه ۴ سال طول کشید تا دستگاه ها مورد نیاز در خارج از کشور خریداری، ساخته و فرستاده شوند و در نتیجه با تاخیر در سال ۱۳۹۶ وارد ایران شدند و قفس ها در پشت دریاچه سد رئیسعلی، نصب گردیدند.



– پس از نصب قفس ها و دیگر تجهیزات، چرا طرح موفق نبود؟

– برای این‌که قفس های نصب شده در پشت دریاچه سد رئیسعلی، نیاز به بچه ماهی داشتند، اما از طرح تولید و تکثیر بچه ماهی خبری نبود، به همین خاطر این طرح با مشکلات زیادی رو به رو گردید.

– مگر صنعت تولید و تکثیر بچه ماهی در کشور وجود نداشت؟

– نخیر، هنوز هم وجود ندارد. قرار بود که ما برای اولین بار در کشور این صنعت را در استان بوشهر راه اندازی کنیم و دیگر نقاط کشور را از این نظر تحت پوشش قرار دهیم.

– بخش سوم طرح که فرآوری و بسته بندی ماهی بود به کجا رسید؟

– بعد از اجرای بخش دوم (پرورش ماهی در قفس) همچنان بر غلط اجرا نمودن طرح اصرار ورزیده شد و با تزریق تسهیلات این بخش، سرمایه‌گذار مجبور شد که برای راه اندازی بخش فرآوری و بسته بندی نیز مابه التفاوت ارزی زیادی را متحمل شود که این نیز خود فشاری مضاعف بر این طرح بزرگ و بااهمیت وارد کرد.

– در مجموع از ۶۶ میلیارد تومان تسهیلات این طرح بزرگ، چه مبلغی به شما پرداخت شد؟

– کل پول تزریق شده به طرح مبلغ ۳۷/۷۰۰ میلیارد تومان (سی و هفت میلیارد و هفتصد میلیون تومان) بابت فقط همین دو بخش میانی و انتهایی طرح می باشد که با مبلغ ۴ میلیارد تومان سرمایه در گردش، در مجموع ۴۲ میلیارد تومان از طرف بانک به این پروژه اختصاص داده شد. لیکن تسهیلات مربوط به تکثیر و تولید بچه ماهی که مهم ترین بخش این پروژه بود، داده نشد.

– پس تسهیلات باقی مانده، چه شد؟

– گویا تسهیلات اجرای فاز اول این طرح از طرف بانک عامل، به صندوق توسعه ملی برگشت داده شد و سرمایه گذار در نیمه راه با همه تنگناها و شرایط بحرانی و بد اقتصادی، تنها گذاشته شد.

– جریان بازپرداخت تسهیلات پرداختی به این طرح چه شد؟

– در نهایت شرکت‌آرام صید بوشهر مبلغ ۵۶ میلیارد تومان اصل و بهره تسهیلات با جرایم را تسویه حساب نمود است.

– یعنی الان هیچ بدهی به بانک و یا صندوق توسعه ملی ندارید؟

– هم اکنون این شرکت هیچ گونه بدهی به بانک و یا سازمانی دیگر ندارد. اما ناهماهنگی های درون استانی، منجر به تعطیلی طرح پرورش ماهی در قفس در بوشهر شد.

نیمی از پست‌های سازمان‌های دولتی در استان بوشهر بلاتصدی است

رئیس سازمان برنامه و بودجه استان بوشهر گفت: برخلاف استان‌های برخوردار مانند تهران، البرز و گیلان که بین ۱۰۰ تا ۸۰ درصد پست‌های آن‌ها پُر است استان‌های جنوبی از جمله بوشهر، خوزستان، هرمزگان وسیستان و بلوچستان بین ۴۹ تا ۵۱ درصد از پست‌های سازمانی آنها بلاتصدی و از سطح اشغال کمتری برخوردار هستند. به گزارش خبرنگار ایرنا، محسن پاپری زارعی در نشست شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان بوشهر اظهار کرد: بر این اساس با لحاظ نیروهای قرارداد کار مشخص و معین ۴۵ درصد پست‌های استان خالی و ۵۵ درصد پُر و بدون لحاظ پست‌های نیروهای قرارداد کار معین و مشخص نیز ۴۹ درصد پست‌های استان خالی و ۵۱ درصد پُر گزارش شده است.

وی با تاکید براینکه بهترین و بزرگترین سرمایه هر استان نیروی انسانی آن است گفت: سرجمع نیروهای انسانی دستگاه‌های اجرایی این استان بدون احتساب نیروهای نظامی و انتظامی ۳۶ هزار و ۳۵۵ نفر هستند که ۵۵ درصد آنان را مردان و ۴۵ درصد را زنان تشکیل می‌دهند.

۲۹۷ نفر در سال گذشته در جاده های استان بوشهر جان خود را از دست دادند

رئیس پلیس راه استان بوشهر گفت: میانگین سرعت بوشهری‌ها در رانندگی ۸۴ کیلومتر و نزدیک به ۱۰ کیلومتر بالاتر از میانگین کشوری است که این عامل منجر شده تا سرعت غیرمجاز ریشه در تمام سوانح جاده‌ای در استان بوشهر داشته باشد. تنها یک سوم سوانح رانندگی در جاده‌ها رخ می‌دهد ولی با توجه به سرعت بالای خودروها و شدت تصادفات بیش از ۷۵ درصد فوتی‌های سوانح رانندگی مربوط به سوانح جاده‌ای باشد.

وی افزود: در سال گذشته ۲۹۷ نفر در جاده های استان جان خود را از دست دادند که نسبت به سال ۱۴۰۰ رشد ۲۱ درصدی داشته است و ۲۵ درصد از این آمار ناشی از فعالیت خودروهای شوتی (تندرو) و ۳۴ درصد ناشی از تصادفات موتورسیکلت بوده است.

یک سوم ازدواج ها به طلاق می‌انجامد!

کاظم فروتن روانشناس و مسئول مرکز ملی جمعیت: از هر ۳ ازدواج، یک ازدواج به طلاق می انجامد و ۴۰ درصد طلاق‌ها خانواده‌هایی هستند که حداقل یک فرزند دارند که بسیار ناراحت کننده است. عدم درک زن و مرد از تفاوت‌های یکدیگر از اصلی ترین عامل برای اختلافات خانوادگی است.مشکلات اقتصادی و بیکاری، طلاق عاطفی، روابط خارج از زندگی زناشویی، دخالت اطرافیان، مسائل کاری و شغلی، عدم رعایت حقوق طرفین و احساس مسئولیت در برابر شریک زندگی، اعتیاد و... از دیگر مولفه های تاثیرگذار بر طلاق هستند.

نمایندگان با ٤ هزار رأی به مجلس می‌آیند و کشور را زمین‌گیر می‌کنند

محمود زرین ماه، اقتصاددان، از ورود نمایندگانی با هزینه ۱۰ میلیاردی و فقط با ۴ هزار رأی به مجلس شورای اسلامی انتقاد کرد. او گفت: «این نمایندگان با تأثیر گذاشتن بر سیستم قانون‌گذاری کشور به نفع خود و اسپانسرهایشان، کشور را زمین گیر می کنند.»

کنایه همتی به استعفای رضایی

در مناظره انتخاباتی مدعی شدید پول ملی را بعد از یورو و دلار به قوی ترین پول منطقه تبدیل خواهید کرد. امروز با بیش از ۱۰۰ درصد کاهش ارزش پول ملی از دولت خارج شدید.

بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در کشورهای مختلف داریم

محمدرضا فرزین، رییس کل بانک مرکزی: بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در کشورهای مختلف داریم و باید دست به اقدامات سیاسی و دیپلماتیک برای آزادسازی آن بزنیم. او افزود: «بعضا مشخص نیست چرا پول ما در آن کشورها مانده است. مرکز پژوهش‌های مجلس:نود درصد آثار علمی تقلبی است. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی نوشت که بیش از ۹۰ درصد آثار علمی مربوط به دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و پژوهشی غیردولتی در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ متقلبانه بوده است. این گزارش تحت عنوان «گزارش نظارتی قانون پیشگیری و مقابله در تهیه آثار علمی» در اوایل خرداد ماه امسال منتشر شده است.

مردم ساعت ٦ صبح، نمایندگان ساعت ٨ صبح

مجلسی که موجب شد به دلیل مصوبه عدم تغییر ساعت، دولت کارمندانش را ساعت ۶ به ادارات بکشاند (و حتما ساعت ۴ یا ۵ آنها باید برای رسیدن به سرکار بیدار شوند) امروز ساعت ۸ صبح جلسه علنی و کار خود را آغاز کرد!/اسکان نیوز

رئیس شورای اسلامی شهر جم:

فضای آموزشی مورد نیاز در شهر جم تامین شود

رئیس شورای اسلامی شهر جم گفت: مدیران عامل شرکت‌ها و مدیران استانی برای تأمین فضای آموزشی مورد نیاز در شهر جم اقدام کنند.

به گزارش خبرنگار مهر، علیرضا سجادی در جلسه شورای اداری شهرستان جم اظهار داشت: سه پروژه نیمه تمام در شهر جم با پیشرفت فیزیکی ۳۰ تا ۸۰ درصد وجود دارد که متأسفانه علیرغم پیگیری‌های مکرر، تقریباً تعطیل و نیمه تعطیل هستند.

رئیس شورای اسلامی شهر جم خاطرنشان کرد: با این روند امیدی به افتتاح و بهره برداری از آنها در مهر ۱۴۰۲ وجود ندارد.

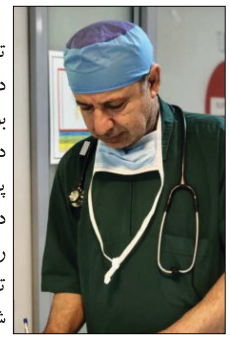
وی به اسکان شاغلین در شرکت‌های پتروشیمی و گاز در شهر جم اشاره کرد و افزود: بیش از ۶۰ درصد از آمار فعلی دانش آموزان شاغل به تحصیل در مدارس شهر جم، فرزندان پرسنل شرکت‌های مستقر در جم، عسلویه و کنگان هستند به همین دلیل می‌بایست شرکت‌های پتروشیمی و گاز اهتمام لازم و جدی نسبت به رفع مشکل داشته باشند.

سجادی از مدیران عامل شرکت‌ها و مدیران استانی خواست که در کنار فرماندار و مدیر آموزش و پرورش قرار گیرند و تدابیر لازم و عاجل برای مدیریت این معضل معمول دارند

به بهانه پرپر شدن همزمان پنج تن از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در سانحه تصادف مرگبار جاده‌ای :

خرداد سیاه، در تقویم دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

دکتر ابراهیم شفیعی -فوق تخصص جراحی قلب و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر



خرداد سیاه ۱۴۰۲ تاریخی تلخ در تقویم دانشگاه علوم پزشکی بوشهر را رقم زد و دانشگاه بطور هم‌زمان پنج تن از بهترین دانشجویان عزیز خود را که درمراحل پایانی تحصیل بودند در یک شب طی دو تصادف جداگانه و هم‌زمان جاده‌ای ازدست داد.

نکته مهم در این موضوع این هست که هر دو تصادف با پژو پارس صورت گرفته است و علیرغم این که ماشین چندین بار غلط خورده است و با بتون های بسیار سخت نیوجرسی که جدا کننده راه رفت و برگشت جاده می باشند برخورد هم داشته است ولی هیچکدام از ایر بگ های ماشین که قاعدتاً در این زمان باید باز شوند و جان سرنشینان خودرو را از مرگ محافظت کنند باز نشده اند و عمل نکرده‌اند. شاید در نگاه اول بتوان با دید حوادث معمول هر روزه به قضیه نگاه کرد و به پیام تسلیت و ابراز همدردی اکتفا نمود و از کنار آن به راحتی گذشت کما اینکه تقریبا همگی مسئولین محترم هم همین کار را کردند که البته جای تقدیر و تشکر هم دارد اما اگر قدری پا را از این نگاه فراتر گذاشته و عمیق تر به موضوع نگاه کنیم شاید خود را هم در بوجود آماده این اتفاقات بیگناه ندانیم زیرا

درست است که در تصادفات جاده ای باوجود همه تمهیدات باز هم امکان وقوع وجود دارد و نمی توان تقصیر را به گردن یک عامل انداخت و عوامل متعددی در این رخداد نقش دارند اما همین موضوع هم نباید باعث شود که اتفاقا سوءاستفاده کنیم و ضمن شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیتی که به لحاظ حقوقی، اجتماعی، اخلاقی و جایگاهی که در آن قرار گرفته ایم متوجه خودمان هست تقصیر را به گردن دیگر عوامل بیندازیم.

اینجاست که لازم است گفته شود متاسفانه همگی رفوزه شده ایم.

در بروز یک تصادف جاده ای عوامل مختلفی نقش دارند: خطای انسانی، عدم رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی، مشکلات جاده ای، نواقص ناگهانی فنی خودرویی در حین رانندگی، نواقص ایمنی خودرویی، عدم رعایت استانداردهای خودرویی توسط تولیدکنندگان خودرو که هر کدام به جای خود و در موارد مختلف می توانند نقش اصلی یا فرعی در بوجود آمدن تصادف را بازی کنند.

این موضوعات در مواردی توسط برخی از مسئولین دلسوزی که بنا به مسئولیت خود با این موضوع در ارتباط بوده اند و همه روزه با آن سروکار داشته‌اند و طی این مدت شاهد بروز حوادث بسیار تلخ و وحشتناک جاده ای بوده اند مکرراً در سطح جامعه مطرح شده است و توضیحات لازم درخصوص علل آن بارها به طور پراکنده داده شده است اما این‌که به دلایل مختلفی هیچ‌گاه به نتیجه نرسیده است همان موضوعی هست که باید گفت در عدم حصول نتیجه همه ماها با درجات مختلف مقصریم و در این خصوص همگی رفوزه شده ایم.

از مردم عادی که مطالبه‌گری نمی‌کنند تا مسئولینی که تحلیل درستی بر آمار موجود جهت تصمیم‌گیری در سطوح بالا ارائه نمی‌کنند تا تصمیم‌سازانی که تصمیم درست درخصوص



مشکلات موجود اتخاذ نمی کنند تا نمایندگان مردمی که پیگیر مشکلات و مطالبات مردم تا کسب حصول نتیجه مورد نظر نیستند و یا بنا به دلایلی در نیمه راه عقب نشینی می کنند و یا سوال خود را پس می گیرند و یا با لابیگری امضای درخواست استیضاح خود را منتفی اعلام می کنند تا مسئولان دستگاه‌هایی که علیرغم داشتن ارتباط مستقیم با موضوع نقش موثر خود را در پیشگیری از وقوع و تکرار این‌گونه سوانح ایفا نمی کنند و ضمن ترک فعل صرفا گاه و بیگاه با صدور بیانیه و ابراز همدردی از زیر بار مسئولیت قانونی و شرعی و اخلاقی خود شانه خالی می کنند همه رفوزه شده‌ایم.

تلخ ترین قسمت موضوع آن است که همه گناه‌ها را هم گردن صنایع ملی و خودروسازی خود می‌اندازیم، بدون از این‌که متوجه باشیم که با این کار در جهت نابودی هر چه بیشتر این صنعت ملی و پایه نیز وابستگی بیشتر به بیگانگان و در جهت اهداف آنها حرکت می کنیم این در شرایطی است که خود این صنایع نیز هم اکنون از قربانیان وضع موجود می باشند و ضمن کمبود شدید قطعات با کیفیت و مرغوب و مشکلات مالی، با بحران مدیریتی هم مواجه هستند. بدیهی است در شرایط سخت کنونی به کار گماردن مدیرانی که تجربه و تخصص لازم در برون رفت از بحران و اداره سیستم تحت مسئولیت خود را ندارند و با استفاده از سفارش و رانت و ارتباطات سیاسی در پست مدیریتی قرار گرفته اند حاصلی جز وضع موجود نخواهد داشت و همه آنهایی که نقشی در بوجود آمدن شرایط کنونی دارند و حتی نمایندگانی که در راستای ایفای نقش نمایندگی خود و سوگندی که در دفاع از منافع مردم و مصالح کشور خورده‌اند از نقش نظارتی خود تحت تاثیر سایر عوامل غفلت می ورزند و یا در لابی‌گری‌های سیاسی مورد معامله قرار می دهند همگی رفوزه شده‌ایم.

چیزی که الان ورد زبان همه مردم کوچه و بازار جاری شده است، از خودروهای تولید داخل به عنوان ارابه مرگ حرف می زنیم اما هیچ‌گاه با خود فکر نمی کنیم که همین صنعتی که الان سالانه بیشتر از زمان جنگ، جان بهترین جوانان این آب و خاک را می گیرد، قبل از کشورهایی مثل کره جنوبی و خیلی از کشور های آسیای شرقی شروع به تولید خودرو نموده است و آنها در آن زمان برای کسب دانش فنی داوطلب دانش ایرانیان بوده اند .

و کشورهای حوزه خلیج فارس که اکنون جوانان آنها با مبلغی بسیار پایین‌تر از قیمت بی کیفیت‌ترین خودرو تولید داخلی، سوار آخرین مدل ها و ایمن ترین خودرو ها می شوند ، زمانی جزو کشور های هدف برای صدور خودروهای ایرانی و ماشین ژیان تولید کشور ما بوده اند و بندر خرمشهر به عنوان یکی از بنادر فعال برای صدور تولیدات صنایع خودرویی ایران به کشورهای حوزه خلیج‌فارس فعالیت می کرده است.

حالا این‌که چرا عقب افتاده‌ایم و جریان بر عکس شده است و به جای آن‌که تولیدات ما از بهترین و پیشرفته‌ترین کیفیت ایمنی برخوردار باشند از آنها تحت عنوان ارابه مرگ نام برده می‌شود، این موضوع نیازمند تفکر و تعقل هست که اساس مشکلات خود را دریابیم و سعی در بازسازی و رفع مشکلات و موانع ایجاد شده کنیم.

و تا ریشه‌یابی درستی نکنیم و از اساس مشکلات موجود را حل نکنیم هر روز با وقایع مشابه و تلخ تراز این‌گونه تصادفات مواجه خواهیم بود.

حال این‌که نمی‌خواهیم یا قادر نیستیم یا توان لازم را نداریم-، به هر دلیلی که باشد، در هر صورت در این موضوع ماهمگی رفوزه شده ایم.

یادبود ۵ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

مراسم یادبود ۵ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در حادثه رانندگی با حضور اقشار مختلف مردم در مسجد این دانشگاه برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری تسنیم از بوشهر، متأسفانه ۴ دانشجوی پزشکی و یک دانشجوی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در ۲ سانحه رانندگی اواخر هفته گذشته جان خود را از دست دادند.

۵ دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر که از بوشهر به فارس مسافرت می کردند، متأسفانه خودروی این دانشجویان در محور استان فارس دچار سانحه می‌شود و ۴ نفر از دانشجویان فوت می کند و یک دانشجو مجروح و در بیمارستان بستری می‌شود.

همچنین در سانحه دیگر یک دانشجوی سال آخر پرستاری نیز در محور برازجان به کنار تخته متأسفانه بر اثر واژگونی خودرو فوت کرد.

در این حوادث محمدرضا کشتکار، محمد حقانی، زهره محمدی، فائز ابراهیمی دانشجوی پزشکی و ساسان حسین‌پور دانشجوی دانشکده پرستاری بوشهر جان خود را از دست دادند. به همین مناسب ضمن برگزاری آیین وداع با پیکر دانشجویان، مراسمی ظهر امروز در مسجد فاطمه زهرا (س) دانشگاه علوم پزشکی بوشهر با حضور مسئولین دانشگاه، جامعه دانشگاهیان نظام سلامت استان بوشهر و خانواده‌های داغدار آنان برگزار شد.

زندگی آگاهانه

گذر از رنج ها

حسین زیرراهی - مدرس مهارتهای توسعه فردی

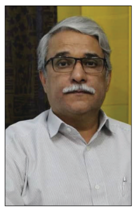


اخیرا ویدویی از استاد هنر نمایش ایران جناب قطب‌الدین صادقی دیدم که بخشی از آن توجهم را بیشتر جلب کرد. ایشان در آن بخش می گفت: "دنیا برای رنجهای شما پشیزی ارزش قائل نیست. هیچ‌کس رنجهای شما و شما با رنج‌هاتون رو دوست نداره. زنجموره بزنید و گریه و لانه و آه و زاری و تو سر بزنید پست‌تر می‌شید. دنیا برای یک چیز حرمت قائله. گذر از رنج‌ها! یافتن راه‌حل! شما برای این رنج چه راه‌حلی پیدا کردین؟ شما رو برای اون راه ستایش خواهند کرد و می کنند."

می‌توان مثال‌های زیادی هم در سطح جمعی و هم فردی برای این حقیقت برشمرد. کشورهایی مانند ژاپن، آلمان، ویتنام بعد از جنگی‌هایی نابودکننده دوباره از خاکستر آن برخواستند و اقتصاد خود را به بالاترین سطح جهانی کشاندند. یا افرادی چون دکتر ویکتور فرانکل از اردوگاه مرگبار آشویتس توانست یکی از بزرگترین نظریه‌های روانشناسی را تدوین کند. نلسون ماندلا سه دهه از عمر خود را در زندانهای آپارتاید گذراند و از آن پلی ساخت برای آزادی مردمش. در مقیاس ملی هم به گفته استاد صادقی فردوسی بزرگ نمونه راه‌حل برای سرخوردگی پس از حمله اعراب و همین‌طور عرفان ایرانی پاسخی به رنجهای پس از حمله مغول بود. حال با این مقدمه بیایید به زندگی فردی و جمعی امروز خود نگاهی بیاندازیم. کافی است دو نفر ما از به همدیگر برسیم. مسابقه‌ای در می گیرد که هر کس موارد بیشتری از بدبختی و مشکلات را تعریف کند: گرانی، تورم، فساد مسئولین، دزدی، تخریب محیط زیست و غیره. در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسانها هم این مسابقه بصورت ارسال پستهای نوشتاری، ویدیو، عکس‌نوشته و غیره است. به راستی چه کسی این آه و ناله و زنجموره کردن را دوست دارد؟ جز این‌که گوینده برای چند لحظه‌ای احساس رضایت ناشی از تخلیه کردن خود پیدا می کند؟ همه ما تمام این مسائل را می‌دانیم چون سالهاست دارد تکرار می‌شود. ضمنا مختص این یا آن حکومت هم نیست. تا بوده همین بوده، گاهی بیشتر گاهی کمتر. آیا این آه و ناله و زاری تا کنون گرهی از مشکلات فردی یا اجتماعی گشوده است؟ یا فقط نشانه‌ای از عجز و ناتوانی ما است؟ دکتر استیون کاوی در کتاب ارزشمند هفت عادت مردمان موثر اولین عادت را عامل بودن ذکر می کند. منظور ایشان از عامل بودن همان چیزی است که استاد صادقی می گوید گذر از رنجها و پیدا کردن راه حل. یعنی سکاندار کشتی زندگیتان شما هستید نه دنیای بیرون. می توانید مانند تخته پاره روی موج شناور باشید یا در مقابل توفان بادبان بسازید و حرکت کنید. بله گرانی وجود دارد و شما هم فقیر هستید، راه حل شما برای آن چیست؟ شما الان بیکار هستید. کسی دوست ندارد این را از زبان شما بشنود. در عوض همه دوست دارند بدانند شما چطور کار پیدا کرده‌اید. کافی است وقتی مشکلی دارید از خود بپرسید چطور می‌توانم آن را حل کنم؟ در پایان دوست دارم از شاهنامه کاوه آهنگر را نمونه راه‌حل و گذر از رنج مثال بزنم. کاوه نرفت این خانه و آن خانه گریه و زاری کند که مورد ظلم واقع شده است. از چرم آهنگری‌اش درفشی ساخت بر ضحاک شورید و بنیان ظلم او را برای همیشه برانداخت. آری کاوه از رنج گذر کرد و ستودنی شد.

پیاده در تاریخ با سید قاسم یاحسینی

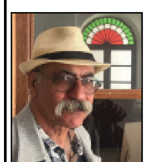
عبدالرحمن برزگر



استاد یاحسینی به واسطه تسلط و شناختش از بوشهر، می توان وی را گنجینه ای از تاریخ بی‌بدیل کشور دانست. حوزه تاریخ و تاریخ شفاهی یکی از پیچیده‌ترین ارکان ادبیات است که ایشان با کسب تجربه های گرانسنگ توانسته آثار متنوع و در خور تامل خلق نماید. انتخاب سوژه‌ها و دست مایه های آثارش با برخورداری از استخوان بندی و ساختارگرائی به ویژه درک صحیح از پیرامون جغرافیایی سوژه، اثر را وزین و از جنبه های مختلف، قابل مطالعه کند. در واقع هر یک از آثار یاحسینی را نمی توان به سادگی از نظر گذراند. کتاب هایش به مانند ایستگاه اندیشه است.
با سید قاسم می توان پیاده در تاریخ قدم زد و خسته نشد، هر دم پنجره ای را می گشاید و هوایی فرحناک از فراسوی تاریخ مهمانت می کند. سید نه تنها نویسنده ای توانمند است، بلکه شخصیتی دارد که نمی توان دوستش نداشت.

آن مرد با تاریخ سروکار دارد

مهدی جهانبخشان



آن مرد آمد.
آن مرد از وادی کتاب آمد.
آن مرد کتاب می‌خواند.
آن مرد خیلی کتاب می‌خواند.
آن مرد بوی کتاب می‌دهد.
بوی کتاب خیلی خوب است.
بوی کتاب، برای مغز آدم خوب است. بوی کتاب، آدم را سرمست می کند. کسی که کتاب می خواند دانا است. آدم که کتاب بخواند و فهمیده شود، گول هیچ دیکتاتوری نمی خورد.
آن مرد کتاب هم می نویسد. او کتاب‌های زیادی را نوشته است. آن مرد با تاریخ سروکار دارد. کسی که کتاب تاریخ می نویسد، رنج همه آدم‌ها را در تاریخ، در دل دارد.
آن مرد، سید قاسم یاحسینی است
کتاب کوچک   کتاب بزرگ

بالنده و برقرار باد

اسکندر احمدنیا



سیدقاسم یاحسینی در عرصه تاریخ استان بوشهر نشان داده است که شیفته و عاشق دیار سرشار از حماسه اش می باشد او تاریخ را ورق زده است زیرا خاکی ها را پالایش نموده است نهفته را کشف و از گوشه گوشه دیارشان رونمایی کرده و بر تاریکی های جهان که در آن نشو و نما نموده است نورافشانی کرده است در وصف کوشش و تلاش سیدقاسم کتاب‌ها می‌توان نوشت.
بالنده و برقرار باد



گفتگوی با سیدقاسم یاحسینی مورخ اجتماعی به مناسبت سالروز تولد؛

باید اعتراف کنم که به‌جز نویسندگی، هیچ کار دیگری بلد نیستم!

۲۲ خرداد، بهانه‌ای شد تا با سیدقاسم یاحسینی، پرکارترین مورخ و نویسنده بوشهری پیرامون این حرفۀ شیرین اما سخت، گپ و گفتی صمیمانه را درباره زیست تاریخ‌وار و کاری‌اش داشته باشیم.
این مورخ اجتماعی، ۵۸ سال قبل در چنین روزی در شیراز دیده به جهان گشوده است. وی دوران کودکی خود را در شهرهای لار و سپس برازجان سپری کرده و از سال ۵۷ مقیم بوشهر می‌شود. البته وی چندسالی است که در تهران ساکن شده ولی همزمان با شیوع کرونا بار دیگر زندگی در بندر بوشهر را برگزید.
یاحسینی در این سال‌ها با سیر و غور در تاریخ، جامعه و زیست مردمان این سرزمین متمدن و فرهنگ‌مند، آثار فاخر و قابل تأملی را در حوزه‌های بوشهرشناسی، تنگستان‌شناسی، خاطره‌نویسی و تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی و تاریخ روشنفکری ایران پدید آورده است که دربردارنده اطلاعات کم‌نظیری است. وی اما در ادامه سیر و سلوکش در تاریخ اجتماعی این منطقه به موضوعاتی رسیده که از دید مورخان دیگر اغلب دور مانده است؛ تاریخ توده‌ها و طبقات مختلف جامعه و زنان، چون بر این باور است که تاریخ ایران، تاریخ مذکر و رجال‌نویسی است که چندان به نوشتن از وضعیت زنان در دوره‌های مختلف تاریخی توجهی نداشته است.
او در سال‌های اخیر با انتشار آثار درخوری در زمینه تاریخ زنان جنوب، اطلاعات شگرف و تازه‌ای را در اختیار مخاطبان خود قرار داده است. یاحسینی، مورخی خستگی‌ناپذیر و کنش‌مند است که با نگاه جست‌وگری که دارد، تنها با کنکاش در لایه‌های خاک‌گرفته تاریخ ایران به دنبال کشف واقعیت‌های تازه‌ای از تاریخ این خطه حماسه‌خیز نمی‌گردد، بلکه به سفرنامه‌های غربی‌ها که بیشتر آن‌ها حتی به زبان فارسی هم برگردانده نشده با همراهی سیده فاطمه یاحسینی (دخترش) چنگ می‌زند تا با چیدن تصویرها و روایت‌های مختلف، سیمای گویاتری از بوشهر دیروز و وقایع تاریخی و زیست مردان و زنانش در آثار متاخر خود ارائه کند.
سیدقاسم یاحسینی، امروز ۵۸ ساله شده است و بر این باور است که همچنان باید بنویسد، هرچند که در نوشتن پولی نیست، ولی آگاهی‌بخشی و بیداری است تا نسل جوان با خواندن این آثار راه را از بیراهه بهتر بشناسند. از این مورخ و نویسنده پرکار بوشهری تا کنون ۱۰۱ اثر به چاپ رسیده است و آثار دیگری هم آماده چاپ دارد که باید به دست ناشر بسپارد. ماحصل گفت‌وگوی‌مان با این مورخ پرکار جنوبی در ادامه می‌آید.

– چگونه شد که از خبرنگاری به عرصه سخت تاریخ‌نگاری قدم گذاشتید؟

خبرنگاری رشته‌ای پویا، پرتحرک و در عین حال چندوجهی است. یک خبرنگار خوب و زیرک باید دست‌کم چیزی از ادبیات، اقتصاد، علوم اجتماعی، سیاست، تاریخ و تحولات اجتماعی روز بداند؛ اگر نداند کلاهش پس معرکه است و در دنیای پر تحول امروز نمی‌تواند به‌روز باشد و گلیمش را از آب بیرون بکشد.
من که دوره فشرده خبرنگاری را در تهران نزد بهترین اساتید روز خبرنگاری و روزنامه‌نگاری در ایران فراگرفتم که از جمله آن‌ها می‌توان به شادروان حمید نطقی، شادروان معتمدنژاد، شادروان افشار و همچنین استاد صدیقی و یونس شکرخواه اشاره کرد، یکی از دغدغه‌هایم تعمیق دانش‌های پیرامونی نظیر تاریخ و علوم اجتماعی بود. بماند که از دوران کودکی خوره خواندن رمان‌ها و ادبیات کلاسیک و نوین بودم. مجموع این عوامل ذهنی و عینی و کمی تا اندکی شانس و تقدیر مرا از خبرنگاری به مورخی هل داد و غلتاند.
بدین سان بود که خبرنگار دیروز به مورخ امروز مبدل شد.

– تاریخ‌نگاری چگونه شما را به سوی سیاست و نوشتن از توده‌های پایین‌دست جامعه و تاریخ از پایین سوق داد؟

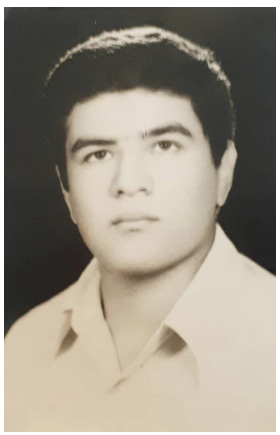
من این شانس را داشتم که در لحظه خطیری از تاریخ معاصر ایران به دنیا آمدم که مملو از اتفاقات مختلف بود. همه این وقایع اتفاقیه نیاز به فهم فلسفی، تاریخی و جامعه‌شناختی داشت و بایستی ادبیات خاصی برایش تولید کرد و چنین شد که شیفته و واله تاریخ، فلسفه، علوم اجتماعی و ادبیات شدم و هستم. بر این باورم که فهم وقایع روز بدون شناخت عمیق گذشته ابتر است و چون توده‌ها تاریخ را می‌سازند، باید به سراغ مردم رفت و یکی از راه‌های مردم‌نگاری و مردم‌شناسی، نگاه تاریخ از

اخبار جعلی باشند!

هنر یک مورخ تاریخ از پایین حاشیه‌گردی است؛ یعنی چه؟ یعنی اینکه چنانچه در کتاب تاریخ از پایین نشان داده‌ام، یک مورخ اجتماعی فمینیست و کسی که گرایش تاریخ از پایین دارد، هم با کمبود منابع کلاسیک روبه‌روست و هم با انباشت و انبوه منابع شناور.

– منابع شناور؟ این منابع شامل چه مواردی می‌شود؟

منابع شناور شامل گفت‌وگوهای عادی روزانه، ادبیات شاعران کلاسیک و معاصر، متون نظم و نثر قدیم، کتاب‌های فقهی، اصولی و رجالی، سنگ‌قبرها، لالایی‌ها، افسانه‌های فولکلور و همه عرصه‌های زندگی می‌شود. بنابراین یک مورخ اجتماعی باید بسان یک کاوشگر و به تیزی







پایین و تاریخ اجتماعی است. به همین دلیل نیز پس از حدود ۲۰ سال قلم‌زدن در حوزه تاریخ سیاسی، مقاومت و جنگ تحمیلی کمی تا قسمتی مورخ اجتماعی شدم. حالا به کدام ناکجاآباد سردربیاورم، خدا داند.



– چطور شد که از سیاست به یکباره بریدید و در تاریخ از پایین غرق شدید؟

تاریخ سیاسی به من آموخت که باید سیاست را بوسید و کنار گذاشت. تجربه هشت سال جنگ تحمیلی به من نشان داد این مردم عادی کوچه‌بازار هستند که زمین کشاورزی، میز کارمندی، کلاس درس و محیط گرم خانواده را رها کرده و برای حفاظت از ایران عزیز به جبهه‌های نبرد شتافته و حماسه و قهرمانی آفریدند. بنابراین اگر می‌خواهیم تاریخ واقعی بنویسیم، باید با نگاه تاریخ از پایین به سراغ همین آدم‌های «معمولی» برویم و البته «طبق نسوان» را نیز فراموش نکرده و با نگاهی زن‌وارگی، تاریخ را تحلیل، نوشته و روایت کرد (این هم به اصطلاح مبانی نظری کارهای شخص شخیص بنده).

– نوشتن از زنان در تاریخی که به قول شما، تاریخی مذکر است، چه تبعاتی برایتان داشته است؟

من از پیش می‌دانم که خبری از فرش قرمز نیست و تاکنون هم طعنه‌های مختلفی شنیده ام.

– با توجه به بافتار اجتماعی و فرهنگی ایران کهن، در منابع قدیمی کمتر از زنان نوشته شده، قطعا یافتن اطلاعات دقیق از این طبقه در دوره‌های مختلف تاریخی، کاری پرمشقت است! شما اطلاعات تاریخی خود را درباره زنان از کجا دریافت می‌کنید؛ اطلاعاتی که مستند و به‌دوره از

چشمان یک عقاب، ذره‌بینِ تحقیق و پژوهش را در دست گرفتَه و مثل یک آهن‌ربا براده‌های ریز و درشت را از میان انبار کاه جمع‌آوری، پردازش، تحلیل و به زبان مناسب و امروزی روایت کند.
یک مورخ اجتماعی مثل آشپز فقیری است که اندکی سیب‌زمینی، لوبیا و گوشت مرغ دارد و این هنر آشپزی اوست که از همین «مواد اندک» یک غذای موردپسند طبخ کند. به هر ترتیب من باورم این است که منابع شناور به وفور موجود است و فقط به قول آن فیلسوف علم، تور ما باید طوری طراحی و بافته شود که توان صید و شکار این منابع را داشته باشد.

– با نگاهی به آثاری که در حوزه تاریخ از پایین و زنان جنوب نوشته‌اید، نشان داده‌اید که با همین منابع اندکی که در اختیار داشته‌اید، توانسته‌اید بخش مهمی از زیست این زنان را در این جغرافیای پرماجرا روایت کنید!

پاسخ به این پرسش شما به نوعی باید تعریف از خود باشد! به قول مرحوم دهخدا، دختری که مادرش تعریفش می کند، به درد دایه‌اش می‌خورد! واقعیتش این است که ابعاد کاری که من انجام داده‌ام، چون هنوز زنده هستم، پروژه به پایان رسیده‌ای نیست! به قول شفیعی کدکنی عزیز، فروتنی بیش اِز اندازه نوعی غرور است؛ اما تلاش کرده‌ام که لِکُ لِکی کرده، چشم‌ها را شسته و جور دیگری به وَقایع شهر و دیار و زن‌های آن بنگرم و گوش شیطان کر، خداوند هم توفیقاتی را نصیبم کرده است (این هم ستایش شاعرانه از خود).

– آیا در مسیری که در پیش گرفته‌اید، مسئله‌ای وجود داشته که شما را از مورخ شدن پشیمان کند؟

دروغ چرا، روزی چند بار از مورخ بودن خود



پشیمان می‌شوم؛ اما پس از صرف یک فنجان قهوه، چنان نیرو می‌گیرم که به فکر نوشتن چند کتاب تازه می‌افتم. حقیقتش را بخواهید باید اعتراف کنم که به‌جز نویسندگی، هیچ کار دیگری بلد نیستم! اگر اندکی جوان‌تر بودم و دوستان به من مدیرکلی یا سرپرستی جایی را محول می‌کردند، چنان جذب آن کار می‌شدم که ممکن بود نویسنده نشوم! اما چون مدیرکل نشدم، من هم با نوشتن کتاب از آن‌ها انتقام می‌گیرم [با خنده].

– شما افزون بر کنکاش و نوشتن از تاریخ توده‌ها و زن‌ها، آثار متعددی را در حوزه دفاع مقدس منتشر کرده‌اید که به‌نوعی جزو نویسندگان پیشتاز این عرصه در کشور شناخته می‌شوید و بیشتر آثار شما اکنون کمیاب شده و جزو منابع کلیدی این حوزه شناخته می‌شوند، چه عاملی باعث شد که از این حوزه غافل نشوید؟

پیشتار احتمالا تهمتی است که شما به من می‌زنید! [باز هم با خنده] اما در باب دفاع مقدس، وجدان تاریخی و درک این‌که در برهه حیاتی از تاریخ معاصر به‌سر می‌بریم، به من آموخت که هشت سال جنگ تحمیلی گنجینه‌ای است که هر اندازه از آن برداشت شود، کم نخواهد شد.

یک روزگاری در سخنرانی یا مصاحبه‌ای گفته بودم که همه ایرانیان بالای ۱۵ سال که جنگ تحمیلی را درک کرده‌اند، بالقوه هر کدام یک کتاب هستند؛ کتابی که هر فردی، زندگی شخصی خودش را می‌تواند در آن روایت کند. پس می‌بینید که ما چقدر تنبل و کم‌کار هستیم و آنقدر از آن کوه واقعیت کم نوشته‌ایم که فقط چند تکه سنگ می‌توانیم برای آیندگان به یادگار بگذاریم. امیدوارم با «بلاغت تمام» و «فصاحت کامل» پاسخ این پرسش شما را داده باشم.

–آثار بی‌شماری در حوزه دفاع مقدس پدید آمده، اما برخی از این آثار به دلایلی که بیشتر به فن نویسندگی مربوط می‌شود، مورد توجه قرار نگرفته‌اند، ولی مخاطبان شما بر این باورند که یکی از دلایل فروش خوب کتاب‌های دفاع مقدسی‌تان، نثر روان و بعد داستانی است که به روایت خود افزوده‌اید، آیا خودتان با این نظر موافق هستید؟

اینجا تأکید می‌کنم که من بی‌هیچ وجه داستان‌نویس نیستم؛ بلکه خاطره‌گو و مورخ هستم. تا الان یک خط به عنوان داستان منتشر نکرده‌ام، اگرچه چندین داستان و رمان نوشته‌ام! شاید یکی از دلایل روان شدن قلم من، مطالعه حجم عظیم رمان و داستان کوتاه در دوران نوجوانی تا امروز بوده است.

پیرانه‌سر نیز دست‌کم هفته‌ای یک رمان را می‌بلعم و به قول سهراب سپهری، تلاش می‌کنم همواره پنجره‌های نو را بر زندگی‌ام باز گذاشته تا با افق‌های روشن باز نسبتی داشته باشم (داریم شعر می‌فرماییم) [خنده].

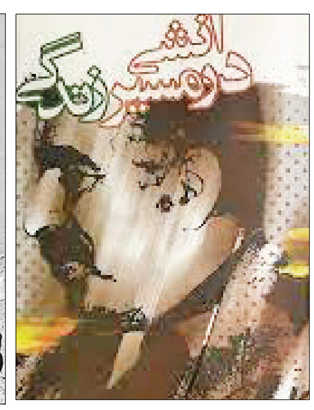
روزگاری گابریل گارسیا مارکز گفته بود: اگر کسی می‌خواهد نویسنده خوبی باشد، باید چند سال خبرنگاری کرده باشد. من این شانس را داشتم در عنفوان جوانی به مدت ۱۵ سال خبرنگار رسمی باشم و از سال ۷۷ تا امروز نیز نسبتم را با مطبوعات و دنیای رسانه کم و بیش حفظ کرده‌ام. شاید همین به من کمک کرده که همان‌گونه که حرف می‌زنم، بنویسم. اینجا توصیه‌ای که به همه نوقلمان دارم، این است که برای نوشتن زور نزنند. همان‌طور که حرف می‌زنند، بنویسند (افشای یک راز بزرگ نویسندگی).

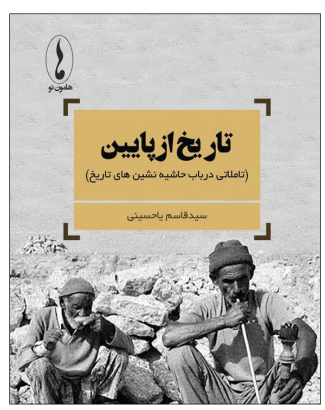
–در این برهه از زندگی‌تان دوست دارید درباره کدام موضوع همچنان بنویسید؟

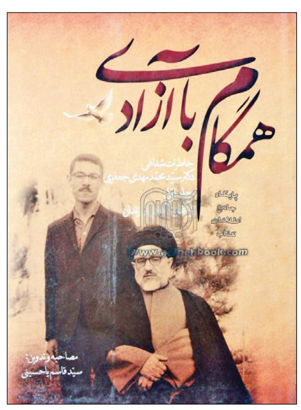
«زن»، «نسوان»، «بانوان»، «خانم‌ها». اگر عمری باقی مانده باشد، دلم می‌خواهد ۳۰ یا ۴۰ عنوان کتاب در این باب بنویسم، آیا تقدیر و خدا مهلتی می‌دهد، نمی‌دانم! تا الان حدود ۱۵ کتاب در حوزه زنان منتشر کرده‌ام و ۲۵ کتاب منتشر نشده هم با این موضوع دارم که هنوز چاپ نشده‌اند! البته زن و زنانگی در مردانه‌ترین کتاب‌های من جاری و ساری است. به قول باستانی پاریزی، جای پای «زن» در همه آثارم هویداست و این بزرگ‌ترین اتهامی است که به من می‌زنند.

–طبق گفت‌وگویی که پیش از این با شما داشتم، ۱۰۱ کتاب را در حوزه‌های مختلف منتشر کرده‌اید؛ اما هنوز کتاب‌هایی هم دارید که منتشر نشده‌اند، درست است!

بله؛ ۸۲ اثر و ۶۰۰ مقاله چاپ نشده دارم. این آثار سه دسته هستند: برخی کهنه‌شده و نیاز به نگارشی نو دارند. حدود ۴۰ کتاب هم دارم که هنوز موفق نشده‌ام ناشر یا فردی را برای چاپ‌شان اغفال کنم [با خنده]. اینجا نه تنها با صدای بلند اعلام می‌کنم؛ بلکه جار می‌زنم: ایها الناس، پول بدهید تا کتاب‌هایم سریع چاپ شوند!







–آیا اگر دوباره به جوانی برگردید باز هم مورخ می‌شدید؟

خیر؛ سمبوسه‌فروش می‌شدم!

–چرا؟

چون وقتی مرغ پرواز می‌کند؛ ماهی در اعماق آب پنهان می‌شود و خرید یک کیلو گوشت گوسفند برابر با نوشتن ۲۰ مقاله است، نمی‌توان چرخ زندگی را با نوشتن چرخاند! البته که در این وضعیت کتاب‌نویسی را باید کنار نهاد و شغل شریف سمبوسه‌فروشی را پیشه کرد (البته پکورا با غم‌پروک هم پخته می‌شود).

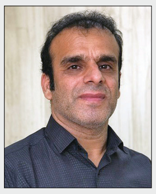
–سخن پایانی؟

ظریفی چه خوب گفته است که «فقط ۱۰۰ سال اول زندگی سخت است.» من اضافه می‌کنم گور، گهواره آرامی است برای خفتن! پس تا زنده هستیم باید تلاش کنیم و بنویسیم. «ما زنده به آنیم که آرام نگیریم/ موجیم که آسودگی ما عدم ماست»

منبع: خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)

سبک نویسندگی یاحسینی؛ روان و جذاب و دلنشین

بشیر علوی



سیدقاسم یاحسینی متولد ۲۲ خرداد ۱۳۴۴ در شیراز است که دوران کودکی خود را در لار گذراند و سال ۱۳۴۸ با خانواده به برازجان آمد. او دوره ابتدایی خود را در این شهر گذارند و در ادامه به مرکز استان (بوشهر) آمده و دبیرستان خود را در این شهر به سرانجام رساند.

علاقه به خوانش کتاب به‌ویژه رمان در همان سال‌های اولیهٔ زندگی در تربیت ذهنی و کنکاش‌های درونی او نقش بسیار مؤثری داشت. به گونه‌ای که تا اواسط جوانی کمتر رمانی بود که او نخوانده باشد. رمان را به صورت منظم و ترتیب‌یافته مطالعه می‌کرد؛ منظور این است که ابتدا تمامی رمان‌های یک نویسنده را می‌خواند و در ادامه به دنبال نویسنده و رمان دیگری می‌رفت. جزئیات آن رمان‌ها در ذهن وقاد و هوش بالای او هنوز وجود دارد. بهرهٔ هوش عالی و استمرار در مطالعه و کتابخوانی و کتاب‌شناسی، افزون بر این‌که از وی یک پژوهشگری کم‌نظیر در حوزهٔ تاریخ و مناسبات اجتماعی ساخته، او را به یک کتاب‌شناس دقیق و تاریخ شفاهی مبدَل ساخته است. افزون بر خود یاحسینی، عصمت‌السادات یاحسینی، همسرش نیز دستی در نوشتن دارد که کتاب مشترک این زوج به نام «۵۰۰۰ هزار سال تاریخ نگارش و کتابخانه‌های بندر بوشهر»، از منابع منحصربه‌فرد و کمیاب در این زمینه است. سید قاسم یاحسینی دارای دو فرزند دختر به نام‌های سید فاطمه و سید صدیقه است که سید فاطمه یاحسینی، مترجم و دارای اثر پژوهشی است.

در حوزهٔ تاریخ جنوب و به‌ویژه بوشهر، معمولاً در سال‌های اخیر در کنار افرادی مانند عبدالکریم مشایخی و زنده‌یاد حسن زنگنه و...، سخنان و پژوهش‌های دست اول و تازه و جدیدی را سید قاسم یاحسینی منتشر کرده است تا جایی که وی در این زمینه تبدیل به یک تاریخ زنده و شفاهی در حوزه جنوب و بوشهر شده است. به نظر می‌رسد که در آینده تاریخ بوشهر به قبل از یاحسینی و بعد از او تبدیل خواهد شد. البته در این زمینه از تلاش‌ها و پژوهش‌های عبدالکریم مشایخی نیز نمی‌توان چشم پوشید.

سیدقاسم یاحسینی افزون بر تألیف کتب متعدد، مقالات و گزارش‌هایی مجزا و ارزشمند نیز در هفته‌نامه‌ها، روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های منتشر کرده که هر کدام خود به تنهایی یک منبع ارزشمند و قابل استناد است. در حال حاضر نمی‌توان مقاله یا کتابی در حوزهٔ تاریخ بوشهر یافت که در منابع و مآخذش اثری از چند کتاب یا مقاله سیدقاسم یاحسینی نباشد. آثار وی در زمرهٔ بهترین و پرشمارترین منابعی قرار گرفته است که در ردیف منابع و مآخذ دیگران ذکر شده و ارجاعات متعددی به آثار وی به‌وجود آمده است.

این‌جا باید اشاره شود که وی علاوه بر تالیف کتاب، در انتشار آن نیز دستی داشته است؛ نشر «شروه» نخستین انتشاراتی بوشهر بعد از انقلاب به همت یاحسینی ایجاد شده که چندین کتاب هم منتشر کرده است. بعد از نشر شروه، نشر «شروع» راه‌اندازی شد که به گفته علی هوشمند، مؤسس و صاحب امتیاز این نشر، «شروع» الگوی و انگیزه خودش را از همین نشر شروه گرفته است که در حال حاضر به‌عنوان دومین و پرکارترین نشر بوشهر به حیات ادبی خود ادامه می‌دهد.

تا کنون صد و یک کتاب از یاحسینی منتشر شده است که البته صد و یکمین کتاب وی نیز با نام «از فیض فایز» به همت انتشارات شروع منتشر شده‌است. نخستین اثر یاحسینی با نام «فصل خاکستر، منتخب اشعار محمدرضا نعمتی‌زاده» است که با کمک نشر شروه سال ۱۳۷۰منتشر شد. میزان ارادت سیدقاسم یاحسینی به استادش جناب محمدرضا نعمتی‌زاده در کلام و سخنش آشکار است. با احتساب سن جناب یاحسینی، او نخستین اثر خود را در ۲۶ سالگی منتشر کرده و در مدت سه دههٔ زندگی ارزشمند خود، بیش از ۱۰۰ ارزشمند بر جای گذاشته است که در یک نگاه کلی تقریباً هر دهه با اندکی تفاوت، سی و سه چهار اثر منتشر کرده‌اند که تقریباً تمامی آنها از جمله منابع دست اول و مهم در زمینهٔ مورد پژوهش است.

سبک نویسندگی یاحسینی بسیار روان و جذاب و دلنشین است. تحلیل‌های منطقی و منظم و حساب‌شدهٔ وی در آثارش نوعی سبک مشخص و معلوم به نویسندگی وی داده است. از رویکردی کاملاً آکادمیک و کلاسیک و علمی در تحلیل‌های خود استفاده کرده و بارها احتمال پیدا شدنِ نتایجی جدید به غیر از یافته‌های خود در پژوهش‌هایش داده و پذیرفته است.

موضوعات کتاب‌های منتشر شده از یاحسینی تا کنون به این شرح است:

۱) در باب بوشهرشناسی، ۳۴ کتاب.

۲) در پردازش و معرفی شخصیت‌های جنوب، ۱۹کتاب.

۳) در وصف خاطرات در قالب مصاحبه با بیانی تاریخی که دربردارنده گستره‌ای از یک دوره یا جریان تاریخی است و تمام اطلاعات آن هم کشفی و استشهادی است، ۱۶ کتاب.

۴) در حوزه تاریخ استان با تبیین رفتارهای مقاومت با گرایش تاریخی، ۲۲ کتاب.

۵) درباره تاریخ ملی، ۹ کتاب.

از این صد و یک اثر، چهار عنوان با همکاری دیگران نوشته شده است:

۱) یادگارنامه حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیدمحمدحسن نبوی، با همکاری، عبدالکریم مشایخی، انتشارات بوشهر، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۲.

۲) ۵۰۰۰ هزار سال تاریخ نگارش و کتابخانه‌های بندر بوشهر، با همکاری، عصمت‌السادات یاحسینی، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر، چاپ اول، بوشهر، پاییز ۱۳۸۶.

۳) موسیقی بوشهر در عصر باستان،با همکاری محسن شریفیان، دانشنامه استان بوشهر، حوزه هنری بوشهر و انتشارات آینه کتاب، چاپ اول، تهران ـ بوشهر،۱۳۸۹.

۴) راه شاهی و راه آهن بوشهر به برازجان، با همکاری، سیده فاطمه یاحسینی، نشر هامون نو، چاپ اول، بوشهر، بهار ۱۴۰۱.// (ایبنا)

شورش‌های دهقانی مناطق شبانکاره و زیراه در دوره پهلوی(۲)

شورش‌های شبانکاره وزیراه

دکتر حمیداسدپور



مرحله اول شورش‌ها

سال‌های آغازین این شورش‌ها، اواخر دوره رضاشاه یعنی سال ۱۳۱۸.ش است. در این دوران، تضعیف روابط دیوانسالاری سنتی و کاهش نفوذ سیاستمداران و مقامات اجرایی دوره قاجار که عملاً قدرت را در شبانکاره و زیراه در اختیار داشتند به مردم این جرأت و جسارت را بخشید که به خیزش و اعتراض اقدام نمایند. محرومیت، فقر و پرداخت انواع مالیات‌ها به همراه بیگاری نیز از دیگر عوامل و زمینه های این شورش‌ها بود. در این مرحله روستاییان به ویژه در روستاهایی مانند خلیفه‌ای، سمیعا و چهل زرعی شورش نمودند و حضور افراد باسواد آگاهی مانند علی علامی و حسین کشاورز که در این روستاها سکونت داشتند در ایجاد شورش‌ها موثر بود. در آن زمان علی علامی در نشریه خانه ملت به همراه علی مراد فراشبندی، مقالاتی در نقد عملکرد خوانین می‌نوشت.

جالب آن‌که در این مرحله برخی از خوانین و کدخدایان نیز یا مردم را یاری می کردند و یا اینکه مخالفت جدی علیه شورش‌ها انجام ندادند. زیرا تصور می‌نمودند که می‌توانند با کمک این شورش‌ها، دست تیولداران وابسته به حکومت مرکزی را از این نواحی کوتاه کنند و از یوغ بقایای خاندان های قدرتمند در این نواحی، رهایی یابند. مردم منطقه نیز در این مرحله، حتی احمد کسروی را به وکالت برگزیدند. اما نیروی ژاندارمری مانع ورود احمد کسروی به این نواحی شد و به ناچار به تهران بازگشت(اسدپور۱۳۹۲: ۹۹). اهمیت و نتیجه این مرحله از شورش‌ها آن است که ضمن قطع مالکیت تیولداران مرکزنشین در این منطقه، رعایا نیز تا چند سال، بهره مالکانه پرداخت نکردند.وجود افرادی آگاه و منتقد مانند حسین کشاورز و علی علامی در روستاهای منطقه شبانکاره در این مرحله از شورش‌ها نقش اساسی داشت. لازم به ذکر است که علاوه بر سلطه خوانین و مالکان بزرگ و هم چنین ظلم وستم آنان، زارعین و دهقانان این نواحی دچار مشکلات متعدد دیگری مانند کمبود بذر، آفات کشاورزی و سو استفاده مأموران دولتی شده بودند. چنانکه در طی تلگرافی به روزنامه کوشش، گروهی از کشاورزان عنوان داشته‌اندکه «وظیفه دولت، نخست دادن بذر و دستگیری از زارعین و رعایا می‌باشد که به واسط دو سال قحطی وجود گندم و جو، محصول دشتستان به کلی نابود و دارای ضرر پی در پی یعنی دو سال ریختن تخم و برنداشتن محصول، حال زارعین و رعایا کاملاً بحرانی و وضعیت زراعت رو به انحطاط است» (کوشش،۱۳۲۱/۶/۱۵: ۱). در ادامه همین تلگرام به پیامدهای عدم حمایت دولت از کشاورزان پرداخت شده است که باعث می‌شود «اغلب اراضی این صحنه از نظرکشاورزی، لم یزرع و بایرشود. اغلب کشاورزان در چنین وضعیتی، زمستان سال آینده جلای وطن نموده، موجب وحشت زن و کودک صغیر و بیچاره می‌شوند. عده زیادی نیزکه به وسیله شخم و درو کردن و غیره تأمین معیشت سالیانه خود را می‌نمودند نیز از بین رفته و گروهی از فرط استیصال بعضی اعمال ناشایست را مرتکب و از بد بدتر، سبب اختلال امنیتی می‌شوند که در اثر زحمات و تدبیر آقای سروان اسفندیاری، فرمانده گردان امنیه بوشهر برقرار شده است»(کوشش،۱۳۲۱/۶/۱۵: ۱). مسئله دیگر این بود که بذرهای خریداری شده جهت کشاورزان بسیار ناکافی و به خوبی هم توزیع نمی گردید(کوشش،۱۳۲۱/۸/۲۸: ۱).

مشکل دیگر کشاورزان این نواحی دوره پهلوی در ارتباط با آفت‌ها و به ویژه مسئله هجوم ملخ به مزارع می‌باشد. در سال ۱۳۲۰ش و در شرایط قحطی موجود در این مناطق، هجوم ملخ‌ها مشکل را دو چندان کرده بود. با وجود کمبود باران و فقدان غلات، هجوم ملخ‌ها مقدار بسیار کم سبزی موجود در برخی اراضی و هم‌چنین نخلستان‌ها را از بین می‌بردند(کوشش،۱۳۲۰/۱۰/۲۹: ۲). هم چنین، سوءاستفاده‌های ماموران دولتی نیز بر معضلات دهقانان افزوده بود. چنان‌که تعیین مالیات‌های اضافی و غیر متعرف از سوی مأموران مالیاتی و خرید برخی از محصولات کشاورزی این مناطق مانند تنباکو به قیمت بسیار اندک از جمله این اقدامات نیروهای دولتی بود(کوشش،۱۳۲۰/۹/۹: ۲ و کوشش،۱۳۲۷/۴/۶: ۳).

شورش‌های کشاورزان در مرحله اول تا سال ۱۳۲۶.ش تداوم یافت که با سرکوبی این شورش‌ها و تبعیدی برخی خوانین همراه بود. یکی از مسائل مهمی که در مرحله اول این شورش‌ها نقش مهمی داشت، غائله جنوب یا نهضت جنوب می‌باشد که از زوایای متعدد قابل بررسی است. برخی از نویسندگان، این حرکت را انگلیسی و آن را ناشی از سیاست‌های انگلستان می‌دانند(اسکندری، ۱۳۷۲: ۲۱۷). برخی دیگر علت آن را حاصل توافق احمد قوام‌السلطنه و سران قشقایی، به خصوص خسروخان دانسته و آن را برنامه‌ای برای مقابله با قضیه آذربایجان و نفوذ شوروی در آن منطقه و نفوذ حزب توده در جنوب کشور می‌دانند (نوری‌زاده بوشهری،۱۳۲۷: ۲۱). گروهی دیگر از نویسندگان نیز نهضت جنوب را یکی از آخرین تحرکات بزرگ ایلات و عشایر ایران در تاریخ معاصر تلقی نموده‌اند و برای آن اصالت عشایری و ایلی قائل شده اند(نصیری طیبی،۱۳۸۱: ۱۱۰).

به هر روی، وجود احساسات ملی گرایانه، گسترش فعالیت های حزب توده در جنوب ایران، نارضایتی مردم از شرایط اجتماعی و اقتصادی و نفوذ سران ایلات و عشایر همراه با تجار و بازرگانان در کنار سیاست‌های قوام در این مساله دخیل بوده است. در این دوره، سران و خوانین شبانکاره و زیراه به همراه خوانین دیگر مناطق مانند حیات داوودی و لیراوی در ده‌کهنه شبانکاره، معاهده‌ای به نام اتحاد صغیر به امضا رساندند که در برابر اتحاد سران قشقایی و بختیاری بود. مفاد این بیانیه، مبارزه با حزب توده، خودمختاری فارس، معافیت از خدمت نظام وظیفه، واگذاری وصول عواید و درآمدهای گمرکی و عدم خلع سلاح نیروهای وابسته به این خوانین بود (نوری زاده بوشهری، ۱۳۲۷ : ۲۱).

پس از آن، این خوانین معاهده دیگری را امضا نمودند که پیمان دفاع متقابل از یکدیگر بود (نصیری طیبی، ۱۳۸۱ : ۱۱۲). این جریانات و حوادث، زمینه را برای نهضت جنوب، فراهم کرد. در بیانیه این نهضت، چنین آمده است که نهضت مقاومت جنوب، چون ورود و عضویت سران حزب توده در کابینه را در حکم مداخله علنی بیگانگان در امور اداری و داخلی ایران تلقی می کند و تسلیم شدن در برابر آن را خیانت می‌داند و آن را به منزل محو استقلال و حاکمیت و تمامیت ایران می شناسد، بدین وسیله اعلام خطر می‌نماید و دست به مبارزه علنی خواهد زد(اسدپور،۱۳۹۲:۹۲).

بعد از این معاهده، سران ایلات و خوانین، به حرکت مسلحانه دست زدند و به غارت مناطقی مانند کازرون و برازجان اقدام کردند. این خوانین در شهریور ماه ۱۳۲۵.ش بوشهر را تصرف کردند و به مدت سه ماه، این شهر را در کنترل خود داشتند و کالاها و اموال موجود در گمرک انبارهای دولتی و پادگان‌ها توسط آنان تاراج شد(کازرونی، ۱۳۸۸: ۵۲). در این زمان، خوانین شبانکاره و زیراه مانند ملک منصور و اردشیرخان، نقش اساسی و مهمی در این حوادث، ایفا نمودند.

هرچند پس از مدتی این خوانین برای زمانی کوتاه به شهرهایی مانند یزد و کاشان تبعید گردیدند ولی در این مرحله که با شورش‌های مردمی همراه بود، موفق شدند بر قدرت و ثروت خود بیفزایند. در واقع شورش‌های مردمی آنان را از تیولداران مرکز نشین رهایی بخشید. چون این تیولداران ملاحظه کردند که قادر به نگهداری املاک نیستند، املاک خود را به خوانینی می‌فروختند که از قبل غارت منابع دولتی، صاحب ثروت زیادی شده بودند(کرمپور،۱۳۹۳: ۵۰).

نخست‌وزیری دکتر مصدق و مرحله دوم شورش‌ها

مرحله دوم این شورش‌ها و خیزش‌ها مربوط به دوره نخست‌وزیری دکتر مصدق است. پیروزی دکتر مصدق در جریان ملی شدن صنعت نفت و سپس قیام ۳۰ تیر ماه ۱۳۳۱ ه.ش، نوعی امیدواری در میان توده‌های مردم به وجود آورد. این مرحله شورش‌ها، رویارویی شدید مردم با خوانین است. در این دوره دکتر مصدق و جبهه ملی تبلیغات وسیعی علیه زمینداران و مالکان بزرگ آغاز کردند. چنان که نریمان عنوان داشت که برای نیل به پیشرفت اجتماعی و استقلال ملی کامل، مردم باید قدرت را از طبقات برخوردار بازپس گیرند و همچنین علی مدرس، علت اساسی بدبختی کشور ایران را به وجود دو طبقه دانست که یکی در عیاشی و فساد و تبذیر سر می کند و دیگری دستخوش گرسنگی، ستم و استثمار است (آبراهامیان، ۱۳۷۹ : ۲۴۳). تلاش های دکتر مصدق، باعث شد که در روستاها، انجمن ده به وجود آید و سهم کشاورزان از محصول سالانه تا پانزده درصد افزایش یافت (آبراهامیان،۱۳۷۹: ۲۴۶).

این اقدامات دکتر مصدق در نواحی مانند شبانکاره و زیراه تاثیر فراوانی داشت. علاوه بر شورش‌های مردمی، در برخی روستاها با کمک افرادی مانند علی علامی و حسین کشاورز که از مخالفان اصلی خوانین بودند، مردم موفق شدند که برای مدتی، رسم اخذ بهره مالکانه توسط خوانین را لغو کنند و قانون انجمن ده یا روستا که بر اساس آن کدخدا می بایست توسط انجمن ده انتخاب می شد در روستاهای خلیفه‌ای، سمیعا و چهل زرعی به اجرا درآورند (اسدپور،۱۳۹۲: ۱۰). در حالی که پیش از آن انتخاب کدخدا در روستاها توسط خوانین این ناحیه صورت می گرفت.

زمینه‌های این مرحله از خیزش‌ها، پیش از نخست‌وزیری دکتر مصدق فراهم شده بود. چنان‌که دهقانان این نواحی در تلگرافی به مجلس شورای ملی ، خواستار رسیدگی به شکایات خود شدند. آن‌ها در این تلگراف عنوان داشتند که «چند سال است که ما زحمتکشان و جانبازان فلکزده زیراه و دشتستان، تمامی هستی و دارائی خود را هزینه تلگراف و پست نموده به کلیه مقامات مرکزی متوسل شده و استدعای جلوگیری از تصرف عدوانی حاج نصرالله حقیقت و ورثه عبدالنبی شهیم سکنین شیراز داریم که تمامی املاک و نخلستان احداثی و دست نشانده ابا و اجداد فدویان را جبرا و قهرا تصرف نموده و ما را از محصولات زحمت کشیده خود محروم نموده‌اند. با این حال، اولیاء امور هیچ گونه توجهی نفرموده و ظلم و فشار این افراد جلوگیری نکرده و نسبت به اعاده حقوق حقه ما بیچارگان رسیدگی محقانه عدلانه نمی‌فرمایند. لذا مجددا ناچار بدینوسیله با نهایت عجز و انکسار استدعا داریم توجهی فرموده، امر به رسیدگی محقانه فوری نسبت به عرایض فدویان فرمایید.»(کمام،۱۳۲۹: ۳۴۴۰).

به هر روی، خوانینی که در غائله جنوب حضور داشتند، صاحب ثروت فراوان و در نتیجه املاک زیادی شدند و حاضر به واگذاری هیچ گونه امتیازی به دهقانان نبودند. دهقانان نیز که با حضور دکتر مصدق، نیروی تازه‌ای یافته بودند، در مقابل اداره پست و تلگراف برازجان تجمع کردند و خواستار رسیدگی به شکایات خود علیه مالکان و خوانین شدند(کازرونی،۱۳۸۸:۱۶۲).

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش این شورش‌ها به طور موقت فروکش کرد و بسیاری از سران این شورش‌ها در زمانی که حکومت نظامی در شبانکاره و زیراه اعلام شد به اتهام ارتباط با حزب توده، بازداشت و راهی زندان شدند که از آن جمله حسین کشاورز می‌باشد.

مدیر پالایشگاه یازدهم مجتمع گاز پارس‌جنوبی:

انجام تعمیرات اساسی با توان سازندگان داخل و دانش‌بنیان‌ها در پالایشگاه یازدهم پارس جنوبی

مدیر پالایشگاه یازدهم مجتمع گاز پارس جنوبی گفت: تعمیرات اساسی تجهیزات و واحدهای عملیاتی پالایشگاه یازدهم پارس جنوبی با توان کارکنان پرتلاش این مجموعه و شرکت‌های داخلی و دانش‌بنیان‌ها با موفقیت پایان یافت.

به گزارش خبرنگار شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، محمد سعیدیان، در این باره توضیح داد: با استفاده از توان، دانش و خلاقیت نوآورانه سازندگان ایرانی و شرکت‌های دانش‌بنیان، تعمیرات اساسی واحدهای کلیدی پالایشگاه یازدهم پارس جنوبی با هدف افزایش قابلیت اطمینان تجهیزات پالایشگاه و همچنین حفظ پایداری تولید گاز در فصل زمستان سال جاری مطابق برنامه و با موفقیت انجام شد.

مدیر پالایشگاه یازدهم مجتمع گاز پارس جنوبی تصریح کرد: در این بازه زمانی تعمیرات اساسی، هزار و ۴۳۰ مورد عملیاتی راهبردی و حیاتی با توان ۶۳۳ نفر از متخصصان و کارکنان پرتلاش در ۲۹۱ هزار ۱۸۰ نفر ساعت کاربه ثبت رسید.

سعیدیان درتشریح جزئیات و انجام اقدامات مهم تعمیرات اساسی افزود: کارکنان و متخصصان پرتلاش این مجموعه با توان سازندگان ایرانی توانستند ۱۰ مورد برج، ۱۹ مورد مبدل حرارتی و ۴۱ مورد درام، ۴ مورد فیلتر و ۱۶۹ مورد تجهیزات برقی، ۶۱۹ مورد تجهیزات ابزاردقیق، ۱۰۳ مورد رفع نشتی بخار، ۸۷ مورد ولو کنترلی، ۱۰۶ مورد ولو دستی و ۳۱ مورد شیرهای ایمنی را تعمیر و نوآوری نمایند.

وی یادآور شد: از جمله نقاط قوت در انجام این تعمیرات، برنامه ریزی دقیق جهت انجام ۳۲۷ مورد حجم کار بوده که نیاز به توقف کلی ۴ روزه پالایشگاه داشت و این مهم با تلاش حداکثری نیروهای جوان و متخصصان داخلی عملیات تعمیرات و بهره برداری زودتر از برنامه به پایان رسید.

به مناسبت اکران فیلم جنگ جهانی سوم اثر جدید هومن سیدی

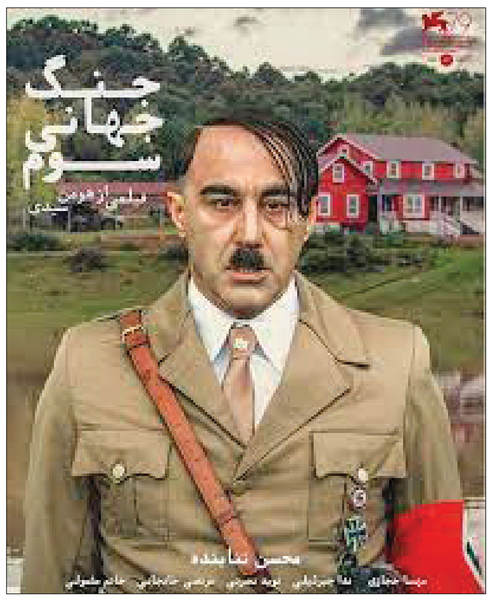
خوش ساخت تر و پرهزینه، با شخصیت پردازی ضعیف

دکتر محمد جعفر ایزدپناه



بتازگی نسخه قاچاق اثر جدید هومن سیدی منتشر شده و تهیه کننده هم به ناچار فیلم را راهی پرده سینما کرد تا از ضرر بیشتر جلوگیری کند. این فیلم را در پردیس سینمایی کوروش دیدم، انتظار نداشتم وسط هفته آخر شب سالن این‌گونه پر از تماشاگر باشد. پس از رخوت چند ماهه سالن ها اکران فیلم جنگ جهانی رونقی دوباره به سالن ها داد و پس از مدتها لذت دیدن دسته جمعی فیلم در سالن تاریک را تجربه کردم. استقبال از فیلم جنگ جهانی نشان داد اگر اثر خوبی اکران شود مردم هنوز راغب هستند به سینما بروند . چقدر جای تاسف دارد که در این شرایط همه سالن های سینمای بوشهر تعطیل شده و در حال تبدیل شدن به سالن مخروبه هستند و معلوم نیست در حالی که هیچ تفریحی برای مردم بجز پاساژگردی باقی نمانده علاقمندان به هنر کجا می توانند آثار مورد علاقه شان را جمعی ببینند گویا همیشه در بحران های اقتصادی اولین قربانی بخش فرهنگ و هنر باید باشد

اگر قرار بود جایزه ای برای دیالوگ نویسی داده شود قطعا هومن سیدی جزو گزینه‌های برتر سینمای ایران بود. همانطور که علی حاتمی را سعدی سینما می‌دانیم و دیالوگ‌های شاعرانه فیلم هایش را صاحب ویژگی منحصر بفرد و علاقه اش به ادبیات ایران می‌دانیم دیالوگ شخصیت ها در آثار هومن سیدی کوبنده و تاثیرگذار است در سریال «قورباغه» و «مغزهای زنگ زده» شخصیت‌ها متناسب با پایگاه اجتماعی که دارند کل کل های شنیدنی با هم دارند و در کنار داستان گویی زیبا نیمی از جذابیت آثار سیدی مدیون دیالوگ نویسی خوبش برای شخصیت‌های آثارش است بطوری‌که دقت در این دیالوگ ها مانند کلاس درسی برای علاقمندان به فیلمنامه نویسی است.



سیدی در اثر جدیدش همچون گذشته روند تحول فردی توسری خور به موجودی خونخوار را نمایش می‌دهد. فردی که در گذشته توسط جامعه تحقیر شده و حالا بفکر انتقام گیری از جامعه اطرافش است، شکیب از قشر پایین جامعه است از همان کارگرهای روزمزدی که گوشه میدان ها منتظر رسیدن روزی هستند، بدون هیچ بیمه یا پس اندازی برای آینده . از همان آدم های بی کس و کاری که بندرت متوجه حضورشان می‌شویم ولی چند سال بعد خبر می‌آید که دست به جنایت بزرگی زده اند بی‌آنکه گذشته شان را بیاد آوریم. سیدی نشان داده قشر حاشیه نشین جامعه را خوب می‌شناسد و همچون مسعود کیمیایی علاقمند قهرمان های جنوب شهری عصیانگر است .

در اثر جدیدش دست به کار بزرگی زده که در توان سینمای ایران نیست و فیلم در فیلمی درست کرده قرار است یک درباره هیتلر و یهودیان و اتاق های گاز باشد حتی از بازیگر زن آلمانی هم استفاده شده ولی معلوم نیست چرا این فیلم توسط یک کارگردان ایرانی در شمال کشور باید ساخته شود؟ گویا هدف این بوده که شخصیت شکیب با بازی بسیار خوب محسن تنابنده پس از بازی کردن نقش هیتلر آن‌قدر در نقش فرو برود که دیکتاتور درونیش ظهور پیدا کند تا بتواند در پایان فیلم دست به جنایت بزند وگرنه ساخت این فیلم در ایران نمی‌تواند دلیل منطقی داشته باشد چون ساخت فیلمی در باره جنگ جهانی و کشتار یهودیان نه ارتباطی به مردم ایران دارد و نه در توان سینمای ایران با این بودجه نحیفش است. جنگ جهانی به نسبت آثار گذشته سیدی اثر ضعیف‌تری است و با وجودیکه برای نگارش فیلمنامه با چند فیلمنامه‌نویس دیگر همکاری داشته ولی به پای فیلمنامه هایی که به تنهایی نوشته نمی‌رسد.

هومن سیدی حالا با کسب جایزه بهترین فیلم و بهترین بازیگر جشنواره ونیز، اعتبار زیادی بدست آورده و می‌توان امیدوار بود در آینده تهیه کننده‌های خارجی به سراغش بیایند. شاید انتخاب سوژه هیتلر و اردوگاه اسرای یهودی و عشق یک کارگر به زن روسپی کر و لال تلاش هوشمندانه سیدی برای ورود به بازارهای جهانی فیلمسازی باشد همان‌طور که قبلا هم شایع شد شبکه نتفلیکس امتیاز پخش سریال قورباغه را خریده است.

محسن تنابنده که این‌روزها در دوران اوج بازیگریش به سر می‌برد نشان داده که توانایی بازی در هر نقشی را دارد از نقش کمدی در سریال پایتخت گرفته تا مرد سرسخت سریال رهایم کن و شخصیت پایین شهری فیلم جنگ جهانی را به خوبی بازی می کند. تنابنده برای ارائه یک نقش در موردش تحقیق می کند و با مردمی که شبیه شخصیت فیلمش است زندگی می کند تا بتواند نقش را باورپذیر از کار در بیاورد.

فیلم جنگ جهانی گویا بر اثر یک ایده یک خطی تبدیل یک آدم توسری خورده به یک جنایتکار است که در اثر بازی در نقش هیتلر دچارش شده است. اگر هومن سیدی در فیلم «مغزهای کوچک» تحت تاثیر سینمای گنگستری امریکا بوده این‌جا شیفتگیش را به سینمای آلمان نازی نمایش می‌دهد فیلمنامه لاغر است و بجز همین ایده فاقد داستانک‌های دیگر است برای همین نسبت به کارهای قبلی سیدی از لحظ بصری خوش ساخت تر و پرهزینه تر است ولی از نظر داستانگویی و شخصیت‌پردازی ضعیف‌تر است.

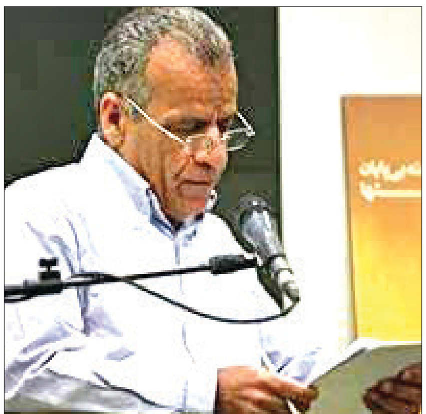
نگاهی به رمان «من ببر نیستم پیچیده به بالای خود تاکم» از محمدرضا صِفدری

رمانی متفاوت از متعارف

ابراهیم مهدی زاده



رمان "من ببر نیستم پیچیده به بالای خود تاکم "محمدرضا صِفدری، یکی از غیر متعارَف ترین رمان های دو سه دهه اخیر ادبیات داستانی ایران است . همینطور که " بوف کور" در دهه ۱۰ و ۲۰ یا " ملکوت " بهرام صادقی در دهه ۴۰ تا ۵۰ ... بودند . اوج کار صفدری را اگر در داستان کوتاه به یاد ماندنی " دو رهگذر" بدانیم به تاکید زنده یاد کورش اسدی، چه به صورت مکتوب (در مجله مفید) یا دیدار دوستانه ، می گفت انسانی ترین داستان کوتاه ۵۰، ۶۰ ساله اخیر است . اما صفدری در کتاب‌های " من ببر نیستم..." و " سنگ و سایه " که در حقیقت با عدول و خروج از فرم و زبان و هستی نگری خود، از مجموعه های "سیاه سنبو" و " تیله آبی "... را آغاز کرد، که باید شروع تجربه ای نو و با نگاه دیگری محاسبه وبررسی شود . " من ببر نیستم ..." مقدمه یا آغاز دوران پیچیدگی ذهن و زبان و فرم جهانی بینی جدید صفدری به" هستی"، باید ارزیابی کرد. نگاهی بدبینانه و فریادی از سر درد به هستی و دِرد بی معنایی "چیستی هستی" با نَگاهی، گاه " ابزوردیسم "، باید در کارنامه نویسندگی او به حساب آورد که دیگر آن خوش بینی " دو رهگذر " و دیگر آثار قبل از " سنگ و سایه " و " من ببر نیستم ..." را ندارد . ذهن پیچیده ، ویرانگر ، توام با " یاس فلسفی " صفدری با تکرار جزئیات و نفی روایت در روایت، عدم ثبات ، جابه جایی راوی اول شخص به سوم شخص ، آشنازدایی ، تکرار یک شخص در دوران مختلف ، در رمان موج می زند . نویسنده و مولف بازتاب دهنده شرایط اجتماعی زیست خود است و نمی تواند تنها به همدلی " دو رهگذر " روی پلی اکتفا کند . نویسنده جهان کوچک فضای " دشتی و دشتستان " را در فراخنای جهان اسطوره وار می بیند و نمی تواند حامل اندیشه‌ی خوش بینانه ی کاذب مدعیان دیدگاه علمی باشد. در جهان متلاطم کوچک " دشتی و دشتستان " یا " رودان " و " ریگستان " در آینسوی جهان ، که تامین کننده گاه خوراک تولیدات آنسوی جهان است، بیماری و آزار نیز ، قبل از سربازان مهاجم با باد نود روزه می آید. وقتی در جهان متلاطم ، پرتنش و نابرابری اقتصادی و سیاسی امروز، حتی جوامع مدعی میراث عصر روشنگری و لیبرالیسم ، هنوز اسیر و شاید مسبب این جهان نامتوازن باشند ، نویسنده نیز نمی تواند درگیر و نگران همین درِد بی معِنائی هسِتی و چیسِتی آینده این "هستی" جمعی نباشد . جهانی که گاه علاوه بر سیل و زلزله و بیمارهای گوناگون (تیفوس ، طاعون...کرنا ... آزارو..) و فقر و تهی دستی، هر لحظه بیم فشردن دکمه ای هستیم که دیوانه ای در کاخ خود ، به برده زاده ای مدرن ، پیام رمز، انفجارش را بدهد . رمان " من ببر نیستم ..." ممکن است خواننده غیر حرفه ای یا متعارف را پس بزند ولی همان خواننده در زمان های دیگر یا خوانش چند باره، اگر در خواندن با سویه متعارف به بالا ، متمایل شود ، قطعا سود خواهد برد . اگر صادق چوبک " شیر محمد " تنگسیر را در دو سه محله " کوتی " ، " دهدشتی " و شنبدی " در شهر بوشهر دنبال تارج هستی اش، جولان می دهد ، زارپولات ریگستانی با گاو زردش "خاکستان " را شخم می زند و پدرخوانده ی رودان و ریگستان می‌شود ، با" عمارتی که می سازد و بعد آتش به " گنتارش " و پنجدری ها می زند . نوذر " را باید به حساب کدام سو به شمار آورد؟ آیا او خود دشمن است و یا خان زاده ای است نا آرام ؟ وقتی می گوید : " من پسر گل افروزم " . پیرمرد می گوید : "کدام گل افروز ؟ در خانه زارپولات ریگستانی چند تا گل افروز بود " . آیا همه ی این جماعت اسطوره ای هستند تکثیر شده در قامت های متفاوت ، از سه نسل ؟ . یا تکرار شونده ی نام گوناگون در زمان های مختلف ؟ . تعارض گودرز پسر نوذر با نظامیان دولتی سر چیست ؟ " آتو" و " شاتو" هم زاینده اند و هم مرده شور خاکسان شخم زده ی " زارپولات" پدر هستند تا به اسطوره ی " گل افروز" ها می رسند . زن سفلیسی در کدام معادله ی " ریگستان " می گنجد؟. " م دال " چی ؟ . هیچ کس در این رمان ثابت و در امان نمی ماند. فروپاشی، مرگ، مرده شور چی و مامای باز تولد، مدام جایشان عوض می شود. یا به عبارت دیگر عشق های نافرجام، حسرت و حرمان





و ویروس مرض و مرگ پلات فرم رمان است . آتش ، چاه ، نخل ، استخر و کُنار " پیرو " و "پشکل خور " و " فریال" نیز نقش اسطوره ای و تاریخی و تلخ خود را ایفا می کنند ... در بوشهر هنوز میان بازماندگان شهریور ۲۰ ، آن سال ها را سال " آزارو" می نامند . بیماری (تیفوس ، طاعون ، وبا و سفلیس...) محصول سالهای جنگ جهانی دوم و ارمغان سربازان هندی شاغِل به اجبار ، در ارتش انگلیس درجنوب و بوشهر می‌دانند. این بیماری نیز در اردوگاه پناهندگان و تبعیدیان لهستانی، سربازان روس و امریکائی ، در شهریور بیست ، زمان اشغال متفقین در ایران شروع و منتشر می‌شود. در تهران، شاهرود و رشت در آثار بزرگ علوی منعکس و مشهود است. طبعا واگویه ی این گونه روایت های تاریخی با جزئیات با زبان پیچیده و نثری بدون نقطه گذاری که یاد آور سفر نامه ی ناصرخسرو است و متناسب با متن و محتوا ، متکی به فرم نا معمول، نباید خوش آیند مخاطب با انتظار رمان معمولی باشد. روایت تیفوس و طاعون و سفلیس آزار دهنده است با باد نود روزه‌ای که منتقل می کند از خانه به خانه‌ای . روستا به سرحدات واز آنجا به شهر و بلعکس. و آتش است که می سوزاند و می‌نشیند به جان " پیش های " نخل ها و لباس ها و می پاشد به سقف و دیوار، تا پاک کند، خانه را از ناپاکی مرض همِه گیِر و بی رِحم . نان قیمت جان دارد. هیچ کَس، در هیچ جا مصون نمی ماند حتی اگر در پنجدری عمارت زارپولات ریگستانی پدر نشسته باشد و یا، باز تاکید آن‌که ، حتی اگر ، خواننده ای باشد که ۴۱۲ صفحه رمان پیِش روی، با زبانی ویژه و نامعمول و فضای تصویری شَگرف و وهم آلود و تیره آن ، با تخیل خود ، بخواهد، معنای متن را بسازد.

این متن به صورت " آنلاین " در " نقد چهارشنبه " توسط تعدادی از نویسندگان و منتقدین با حضور نویسنده ، جناب محمدرضا صفدری اجرا شد.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

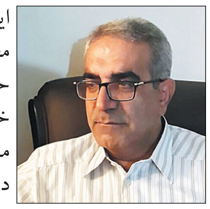
nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول وسردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



تا تیغ دست که باشد؟

دکتر سعید معدنی



این روزها هوش مصنوعی هوش و حواس بسیاری را به خود مشغول کرده است. مخالفان و موافقانی دارد. برخی حضور و پیشرفت هوش مصنوعی را به ضرر بشریت می‌دانند و گروهی دیگر از آن به عنوان ابزاری نو در جهت بهتر زیستن انسان حکایت می کنند.

همان قصه‌ی همیشگی. تیغ دست که باشد؟ پزشک جراح ماهر یا دزد راهزن. به نظر می‌رسد اگرچه پیشرفت هوش مصنوعی نگران کننده است، اما از آن گریزی نیست. مثل همه‌ی پدیده‌های دست‌ساخت، بشر به این ابزار هم دست خواهد یافت.

چندی قبل یک کارشناس نظامی گفته بود: " هوش مصنوعی در کشته شدن فخری زاده به اسرائیل کمک کرد" از سوی دیگر امروز خبر گزاری‌ها گزارش دادند " هوش مصنوعی در اسکاتلند به پزشکان در تشخیص سرطان پستان کمک می کند"

هم‌زمان در کنار خبر امیدوار کننده‌ی فوق در خبری متفاوت آمده بود" داعش مسئولیت انفجار صبح پنجشنبه در مسجدی در فیض‌آباد بدخشان را به عهده گرفته است که طی آن ۱۴ نفر کشته و ۳۰ نفر زخمی شده اند"! کشندگان و کشته شده‌ها همگی خود را مسلمان متعصب راستین می‌دانند و از زمره‌ی اهل تسنن هستند. هر دو گروه در جستجوی قدرت و حکومتگری‌اند تا به زعم خود ابنای بشر را به سعادت دنیوی و اخروی برسانند! با خود می گویم اگر این هوش مصنوعی با این تاثیر شگرف‌اش به دست متحجرینی مثل تروریست‌ها بیفتد چه می شود؟ آیا حال و روز دنیا سیاه و سیاه تر نخواهد شد؟

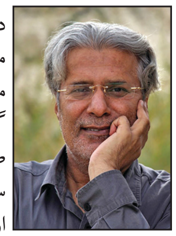
همان‌طور که گفته شد ظاهرا از کنجکاوی و ساخت هوش مصنوعی توسط انسان گریزی نیست. امیدواریم این دستاورد جدید بیشتر به کار انسان‌های خوش سیرت بیاید تا انسان‌های بدطینت که به فکر ترور و کشتن انسان‌ها هستند.

شورای شهربوشهر، عاجز از جمع کردن سنگ‌های پلاژ بوشهر

اسماعیل فولادی: مردم بوشهر و مسافرین ازکوچیک و بزرگ در فصل تابستان علاقه شدیدی به شنا در دریا دارند مخصوصاکسانی که درد مفاصل و استخوان دارند. ورودی پلاژ بوشهرکه بیشترین استقبال کننده دارد، سنگ های ریز و درشت ریخته شده که واقعا تیز و برنده میباشد. هر فردی قصد ورود به آب دارد بسختی ازاین سنگ ها عبور میکند و واقعا خطرناک هست و اکثرا مشاهده شده که بعضی ها از کودک گرفته تا سن بالا مصدوم شده اند. حال سوال اینجاست آیا پاکسازی این قسمت دریا که جمعا یک کامیون هم نمی‌شود برای مسئولین سخت هست؟ چندین مرحله اعضا شورای شهر جابجا شده اند و هیچ گونه اقدامی نکرده اند. انشاالله که هرچه سریع تر نسبت به جمع آوری نخاله های ورودی پلاژ اقدام کنند.

ماتادور

محمد لطفی



در خلوت خیال زیرنور موضوعی آونسن تو را به منولوگی تاریخی به حرف گرفته‌ام در معبد مهرابه صحنه، اَشِم وُهو می خوانی، سدری سپیدپوش وکمربندی از هفتاد نخ تابیده شده بر روی آن دور کمرت بسته ای، به کامه زیوید شاد زیوید را پایان می بری، اهریمنان را می‌رانی به اعماق تاریکی و نفرین بر ایشان می خوانی، صدایت در دالان گوش هایش روایت تاریخی است که دیگرانش نوشتند، وحالا توهمه را هجی می کنی، بال زدن کبوتری وشهیه کشدار مادیانی که جایی در دور دست می زاید، فریاد سواری که برگ‌های تاریخ هنوز از زخم‌هایش خیس است، آواز بدوی دخترکانی که لب رود دلشورگی هایشان را چنگ می‌زنند، ریتم دست و پای اسپی که بر عریانی زمین سم می کوبد، سکوت صحنه و پلک های تو که آن‌سوتر در تاریکی، این‌همه را هم می‌زند، منتظر مانده ام، قرار است بگویی و من گیسوان باران خورده‌ام را می دزدیدم از نگاه تو، حالا دقیق زیر ابروی پنجره در عمق صحنه شانه هایت به لرزش افتاده‌اند، گوشی‌ات مدام زنگ می‌خورد، خاموشش می کنی، انگار چیزی، ماجرایی اعصابت را بهم ریخته باشد، از شروع تمرین پریشان به نظر می‌رسیدی، اما پنهان می کردی، دستپاچه و نگران بلند ادامه می‌دهی،تاریخ بر ما رفته را دبیران نوشته اند، قلم به خون خود زدند تا آن‌چه بر این خاک رفته را به دستهای ما کوچ دهند، نیلی معماری نیشابور عهد سلجوقیان و پاورقی های جهانگشای جوینی را ورق می زنیم، چند لحظه استراحت می کنیم طرحی برای اجرا پیشنهاد می‌دهی، ازطراحی لباس تا دکور و طراحی نور حرف می زنیم، به ناب بودن اجرا وآن‌چه باید باشد اعتقاد داری، دلخور از تصاویری که بر صحنه در تئاتر پخش می‌شود،کپی پیست های رایجی که این‌روزها نوعی آروغ روشنفکری را به تئاتر تحمیل کرده است، می‌دانی چه انسانهایی رویاهایشان را بخیه زده‌اند تا روزی تئاتر طعم بهار بگیرد به خود؟ این را طوری می گویی که کوچکترین حرکتی که تئاتر را از مسیر واقعی اش دور سازد نوعی بی‌احترامی به زنده یادان تاتر می‌دانی... میزانسن یورش بر خان مغول را تکرار می کنیم و تو به زبان مردم باشتین شعر منسوب به شیخ حسن جوری را می خوانی...

ای تشنه ترا به آب سوگند
ای عشق ترا به خاک سوگند
جز عشق دگر سخن نگویید
غیر از گل عاشقی نبویید



به کاشی‌های مینیاتوری نیشابور فکر می کنم که مغول به آن‌ها هم رحم نکرد اما این خاک دوباره روی پای خود ایستاد، دوباره با مولانا ها مانند ققنوسی از خاکستر خویش برخاست، موبایل را سایلنت کرده‌ام، صفحه‌اش روشن می‌شود، گوشی را بر می‌دارم، پیامک مشتری گرامی مهلت سررسید اقساط شما...، سیگاری می گیرانم و ما تا دوری می‌مانم که زخم‌هایش مثل سرخی گل لگجی همه دهان باز کرده اند، واو در هیاهوی یک میدان هنوز سراپا ایستاده وچکه چکه های خونش را ماسه های داغ قورت می‌دهند، ورزا بوره ای می کشد و نیزه را به جای را فرود آوردند بر شانه نره گاو سیاه، گوشه ای پرت می کنم، منولوگ را ادامه می‌دهم و تو محو خوانش من یادت می آید که باید فریاد کش و پریشان گیسو، آواز بخوانی، ببخشیدی می گویی و گیتارت را بر می‌داری و سر انگشتانت را بر سیم ها می خراشی، و من در ترنم نغمه و فید شدن نور با چشمانی نم‌دار پشت پنجره خیره به مترسکی می‌شوم که سربازها او را تیرباران می کنند،گرمی اشک رو حس می کنم و به تتاتر می اندیشم که پیش از آغاز خلقت مارا فتح کرده است... .

از الناز لطفی

ایرانجوان بوشهر ، دهه ۱۳۶۰

ایستاده از راست: مختار کلانتری، عباس شهابی، فراشبندی، محمد شهابی، یوسف غریبزاده، رحیم فره‌وشی. نشسته از راست: علی اخلاقی، حسن بختیاری، منصور بهرمان، حسین قائدمقام، محسن ها شمی



تجلیل از دو پیشکسوت ورزش فوتبال استان بوشهر



نعمت‌اله امین‌نژاد: با همکاری رسانه ورزش بوشهر در سالن اداره بنادر و دریانوردی بوشهر از دو پیشکسوت عرصه ورزش فوتبال، حاج مجید مشایخ پیشکسوت داوری و ورزشکاری استان بوشهر و همچنین از پیشکسوت مدیریت ورزشی و باشگاه داری، علی عالی نژاد مدیر پرتلاش و مردمی باشگاه فرهنگی ورزشی کارگر بنه با حضور نماینده دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی، سرپرست اداره کل ورزش و جوانان استان، رئیس هیات فوتبال استان بوشهر، مدیر عامل شرکت کابل آمل و هیات همراه، جمعی از بزرگان و پیشکسوتان ورزش استان، جمعی از مدیران سابق استانی و شهرستانی و خانواده های تلاشگران ورزش و با حضور سبز جمعی از دوستداران ورزش با تلاوت چند از کلام الله مجید آغاز شد. پس از آن، شاهین بهرام‌نژاد مجری پرتلاش صدا و سیما مرکز بوشهر مدیریت جلسه را بر عهده گرفت و ضمن خیر مقدم به بزرگان و مدیران و پیشکسوتان ورزش گفت ما تا آینه است باید قدردان بزرگان ورزش را بدانیم و نه زمانی که افتاد و شکست و در ادامه بیان داشت: این مراسم تجلیل توسط رسانه ورزش بوشهر در ۱۶ سالگی عمر خود این بزرگداشت را گرفته است که ما همه باید بدانیم این خود یک کاری بسیار بزرگ و خداپسندانه است که شکر گذار اول خالق خود باشیم و قدردان کسانی باشیم که در راه خدا و مردم گام های موثری را برداشته و در امر ورزش همیشه پیشقدم بوده و هستند.

در ادامه نماینده دشتی و تنگستان، رئیس هیات فوتبال و مدیریت کابل آمل نیز سخنانی را در بیان بزرگداشت و ارج گذاشتن بر بزرگان ورزش بیان داشتند.

در ادامه حسن غریبی مدیر رسانه ورزش بوشهر و مدیریت این مراسم تجلیل بیان داشت: من امروز به خود می بالم و خیلی خوشحال هستم که خدا بما توفیق داده تا بتوانیم از این دو عزیز و بزرگ ورزش، مجید مشایخ پیشکسوت داوری و ورزشکاری و مربیگری استان و همچنین از حاج علی عالی‌نژاد پدر ورزش فوتبال تنگستان و دلسوز ورزشکاران بنه‌گز و باشگاه فرهنگی ورزشی کارگر بنه‌گز که همواره تلاشش این بود که بتوانند به جوانان این مرز بوم خدمت کند، بتوانیم کاری خداپسندانه کنیم و از زحمات این دو بزرگ تقدیر و تشکر کنیم، در ادامه موسیقی محلی و دلنواز و در سالن طنین‌انداز شد که واقعا مدعوین را به وجد آورد. گروه خیام خوانی.

پایان پخش برنامه مراسم تجلیل به زیباترین شکل ممکن برای این دو عزیز و پیشکسوت ورزش استان گرفته شد، که واقعا جای تقدیر و تشکر از رسانه ورزش را دارد.